متن مجری و عوامل هنری جشن تکلیف ـ دبستان یاس نبی(س) ـ اسفند 1389

· کلاکت 1 : لحظه ورود بچه ها :

ـ آهنگ: خوش آمدید توسط مسئول کامپیوتر گذاشته می شود.

· میکی موس ها:درب در یکی به بچه ها گل می دهد و یکی سجاده کیفی را

ü عروسک:ــــــــــــــــ

ü مجری: ـــــــــــــــــ

· کلاکت 2: شروع برنامه: (با نشستن بچه ها و تشویق حضار)

ـ آهنگ: ــــــــــــــــــــ

· میکی موس ها: پرده را می کشند و روی صحنه دنبال عروسک می گردند.

ü مجری: به صحنه می آید و انگار حواسش به بچه ها نیست دنبال عروسک می گردد و می گوید: خدایا این شاپرک کجاست؟ و... دیر کرده و از این حرفها... یک دفعه بچه ها را می بیند و جا می خورد و می گوید ای وای سلام بچه ها شما کی اومدید راستی شاپرکو ندیدید؟ بیایید با هم صداش کنیم شاپرک شاپرک

ü عروسک:اول نیست ... بعد از صدا زدن مجری و بچه ها می آید.... بله بله چه خبره مگه چی شده؟

ü مجری: انگار یادت نیست قرارمون چی بود؟ شکوفه ها... جشن .... یادت نیست؟(این ها را بلند اما مثلا با حالتی می گوید که بچه ها نفهمند اما بچه ها می فهمند)

ü عروسک: وای یادم رفته بود... همین جاست؟ همین ها هستند؟ ای وای وای چقدر شکوفه...

ü مجری: نمی خوای به بچه ها سلام کنیم؟

ü عروسک : چرا آخه سلام کردن هفتاد تا صواب داره که همه اش برای سلام کننده است و یکیش برای جواب دهنده

ü مجری: پس معطل چی هستی شروع کنیم؟

ـ آهنگ: شعر شروع هر کار سلامه پخش می شود.(مسئول کامپیوتر)

· میکی موس ها: روی صحنه با صدای آهنگ شروع به حرکت می کنند انگار دارند شعر می خوانند.

ü عروسک و مجری می گویند: بعد از تمام شدن آهنگ دست و هورا و همه دست می زنند.

ü مجری با احساس و فرزانه ای: متن ادبی به نام خدا

ü (اوّل هر کار به نام خداست آن که از او، عالم هستی به پاست می گشایم زبان به نام خدا که ز نامش جهان شده برپا.

(و سلام به مسئولان، والدین و بچه ها ) سلامی بهمجری عروسک

با تو گر خواهی سخن گوید خدا قرآن بخوان

تا شود روح تو با حق آشنا قرآن بخوان

عترت احمد زقرآنش نمی گردد جدا تا بیابی معنی این نکته را قرآن بخوان

در ابتدای برنامه ها زینت می دهیم جلسه مان را با تلاوت آیات نور .. از حاملان قرآن دعوت می کنیم به جایگاه تشریف بیاورند.و این شعر را رسا و بلند می خواند: (من يک باغ بزرگ مي شناسم.باغي که در آن ،بهار پيداست .سي شاپرک قشنگ در باغ.پر سبزه و سبزه زار پيداست.هر گوشه و هر کنار اين باغ سرشار ز عطر ياسمن ها. از عطر گل محمدي تا عطر گل و سبزه و چمن هاست.اين باغ بزرگ،باغ شادي است.روييده در آن ، نهال لبخند.هر برگ گل و درخت آن هست. سر شار از آيه ي خداوند.اين باغ بزرگ هديه اي دارد.از خوبي و عشق و مهر و ايمان.اين باغ بزرگ، مهربان است.اين باغ بزرگ، هست قرآن.)

شاپرکبعداز اتمام قرآن: آفرین بچه ها همراهی شان کنید با ذکر صلوات قرآنی:

صلی الله آل محمد و علی آل النبی صلی الله آل محمد و علی آل الرسول

میکی موس ها:

· کلاکت 3:

ü مجری: امروز شکوفه های زیبای زندگی ما قدم در باغ همیشه بهار تکلیف می گذارند و درهای عبادت و بندگی به رویشان گشوده می شود.عطر سلام و صلوات فرشتگان در فضا پراکنده است. «نماز كليد بهشت، وسيله‌ي سنجش، كوبنده‌ي شيطان، سيماي مكتب و ... زيباترين تفسير است»و چه زيباتر وقتي كه گل‌هاي احساس با يك اجابت معطر مي‌شوند دراین لحظات معنوی و در این جشن خجسته با يك سبد دعا بهترين آرزوها را نثارتان مي‌كنيم؛ كه ... با امام عصر زيباترين، سبزترين و نوراني‌ترين نمازتان را اقامه كنيد.

ü عروسک: الهی آمین... راستی خاله کسی که به سن تکلیف میرسه فقط باید نماز بخونه؟

ü مجری: نه خاله جون... وقتي پسر يا دختر به سنّ معيّني رسيدند و بالغ شدند، به آنان «مُكَلّف» می گن. كسي كه به سنّ تكليف مي‌رسد، بايد دستورهاي ديني را انجام دهد و به واجبات عمل كند و از آن‌چه خداوند ممنوع ساخته(يعني محرّمات) پرهيز كند. نماز یکی از واجباتِ خیلی مهمه

ü عروسک: دیگه چی؟

ü مجری: می دونی ما اصول دین و فروع دین داریم که با عمل به اونها می توینم به خدا نزدیکتر بشیم. می تونی بعدا از من یا بچه ها بپرسی . در این قسمت از خانم شمسی نژاد دعوت می کنیم تشریف بیاورند برای عرض خوشامدگویی

ـ آهنگ میان برنامه(مسئول کامپیوتر)

من می آیم و خودم بعد از صحبت ها از آقای علی آبادی دعوت می کنم برای صحبت و خیر مقدم به والدین بیایند.

بعد از صحبت آقای علی آبادی:

ü مجری: تشکر می کنیم از مدیریت محترم اداره که با بیاناتشون همه را به فیض رساندند و خطاب به شاپرک: راستی یکی از شکوفه ها هم به نمایندگی از دوستاش می خواد که به میهمانان خوش آمد بگه دعوتش کنیم؟

ü شاپرک: به افتخارش دست و هورا...

فاطمه روحانی به جایگاه می آید و صحبت می کند. و موقع نشستن ضمن تشویق توسط خاله و شاپرک جایزه ای می گیرد.

ü کلاکت 4:

ü مجری: «جشن تكليف»، شيرين‌ترين لحظه نوراني است كه شما به استقبال تكليف‌هاي خدايي مي‌رويد. اميدواريم كه مايه افتخار ايران اسلامي و عزّت و آبروي پدر و مادر خود باشيد. خبردارم امروز بچه ها که از صبح گردش آموزشی بودند؛ موارد زیادی رو در مورد تکلیفای دینی شون یادگرفتند که همین جا از خانم ملیحه نخعی معلم سخت کوش و خلاقشون تشکر می کنیم.

ü عروسک: خانم معلم متشکریم خانم معلم دوست داریم (بچه هارا وادار کن بگویند.)

ü مجری: راستی خانم شمسی گفتن بگیم کتابخونه مدرسه کتابهای زیبای زیادی به صورت شعر و داستان در مورد اصول و فروع دین که بچه ها می تونن بگیرن و بخونن و سوالاتشون رو بپرسن تا از همین حالا دستورات دینشون رو خوب یاد بگیرن .

ü عروسک:حتما حتما مگه نه بچه ها؟

ü مجری: خوب در این قسمت از شکوفه ها دعوت می کنیم برای اجرای سرود زیباشوشون تشریف بیاورن....

ü شاپرک بلند: مامان و باباها تشویق .... تا بچه ها می آیند.

ـ آهنگ میان برنامه (تا بچه ها می نشینند)

ü کلاکت 5:

ü شاپرک: بچه ها

من که از گل بهترم دخترم آی دخترم

دختر خوب پدرم دخترم آی دخترم

شریک کار مادرم دخترم آی دخترم

در خوش زبانی نوبرم دخترم آی دخترم

بچه ای باهنرم دخترم آی دخترم

شیرین به مثل شکرم دخترم آی دخترم

ü مجری: آفرین به شاپرک و شما دخترای خوب دیار کریمان با این سرود زیبا. جشن تکلیف مبارکتون. در این قسمت بدون هیچ حرفی می ریم سراغ یکی از دلپذیرترین قسمت های برنامه

ü شاپرک به صورت کشیده : نمایش جشن تکلیف(مثل مدیریت پارک)

ü میکی موس: هنگام خواندن شعر شاپرک: دست زدن با بچه ها

ü کلاکت 6:

ü مجری: همه چیز از نه سالگی شروع شد از همان روزی که جشن تکلیف برایم گرفتند، مادرم از محرم و نامحرم گفت و اینکه باید جلوی نامحرم‏ها روسری سرم کنم. حجاب داشته باشم. خیلی دلم می‏خواست محرم و نامحرم را رعایت کنم. در همان عالم بچگی تا کسی می‏گفت یاالله... فوری می‏دویدم و روسری سر می‏کردم. یک روز که دایی مامان آمده بود دیدن مامان، فوری دویدم تا روسری سر کنم. مامان خندید که دخترم دایی من، عموی من به شما محرم هستند. راستش گیج شده بودم و مادر مجبور بود که هر بار برای من توضیح دهد...

ü عروسک: وسط حرفای خاله حرف می زند مثلا یالله یا ... و در آخر میگه خاله من که آخرش نفهمیدم کی محرمه و کی نامحرمه!!

ü مجری: اگه یه کم صبر داشته باشی در نمایش کوتاه محرم و نامحرم متوجه می شی و بعد از اون سرود حجاب رو که کاری از گروه سرود دبستان یاس نبی است تقدیم دلهای پاکتون می کنیم.

· میکی موس ها: در زمان نماش محرم و نامحرم کمک کنند.

ü کلاکت7:

مجری و عروسک: صبح زود است و خواب می چسبد باید امّا باز بر خیزم از اذان پر شده است کوچه ِ ما

باید از خواب ِ ناز، بر خیزم باز مادر بزرگ بیدار است بوی نان برشته می آید

مادرم غرق در نماز و دعاست بوی بال ِ فرشته، می آید با صدای ِ خروس همسایه

می شود خواب ِ ناز، شیرین تر صبح زود است و خواب می چسبد هست امّا نماز شیرین تر

نمایش بهترین سوغاتی رو ببینید منظور مارو از این شعر متوجه می شید. آره

ü کلاکت 8:

ü ما براي هر عيد يا هر مناسبت خوب كه از طرف پروردگار، نعمتي به ما رسيده باشد، جشن مي‌گيريم تا بدين‌وسيله سپاسگزاري و شكر و شادي خودمان را نشان دهيم. به تكليف رسيدن، يك عيد به حساب مي‌آيد، چون از نظر عقلي و جسمي به حدّي رسيده‌ايم كه خداوند به ما دستور مي‌دهد و ما خوشحاليم كه خواسته‌ها و دستورهاي او را اطاعت كنيم و بندة شايسته او به حساب آييم و چه افتخاري از اين بالاتر؟ ما با «جشن تكليف»،‌ نعمت‌هاي خدا را گرامي مي‌داريم و اين روز بزرگ را كه در آن به سنّ تكليف رسيده‌ايم، به‌عنوان يك روز پرشكوه و خاطره‌اي به يادماندني به ياد مي‌سپاريم.

ü عروسک: خوب خاله این همه مقدمه چیدی که چی؟

ü مجری: می خوایم بچه ها ضمن طواف دور کعبه و بستن میثاق با خدا سوگند بخورند و از بابت این نعمت سجده شکر به جا بیاورند.

ü عروسک: بچه ها یا علی هرماه من بخونید لبیک اللهم لبیک والحمدلله کثیرا(دو بار می خواند)

مجری: خوب بچه ها را حالا همراه با من زمزمه کنید: ای خدای بزرگ !دراین لحظه ی باشکوه و به یادماندنی با تو پیمان می بندم ، که همیشه به فرمانت، عمل کنم ، واز راه نورانی تو منحرف نشوم .ای خدای مهربان !تورا سپاس می گویم ، که دعوتم کردی وبا توپیمان می بندم که بنده ی خوبی برایت باشم . بارالها! به من سلامتی وپاکی داری، پس باتوپیمان می بندم که خودم رابه گناه نزدیک نکنم .الهی !به من پدرومادربا ایمان عطا کردی ، باتوپیمان می بندم همیشه قدردان آنها باشم .مهربانم !دراین هنگامه ی مقدس باتوپیمان می بندم که جزبه راه تو نروم واکنون که به سن تکلیف رسیده ام ، خوشحالم وباتوپیمان می بندم نمازهایم راخوانده و واجبات دینم را انجام دهم .

ü pدعای امام رضا در سجده شکر: سپاس از آن توست اگر فرمانت برم، و هيچ برهانى برايم نيست اگر سرپيچيت كنم، در احسان و بخششت نه من و نه جز من را اختيارى نيست، و اگر گناه كردم بهانه اى ندارم، آن چه از نيكى به من مي رسد از جانب توست، اى بزرگوار! زنان و مردان مؤمن را در شرق و غرب جهان ببخشاى.

ü کلاکت 9:

ü بلافاصله بعد از نشستن بچه ها میکی موس ها: شعر کی از همه قشنگ تره را می خوانند و بچه ها دست می زنند و جواب می دهند.

ü مجری: و بهترین قسمت برنامه اهدای جوایز از دست مسئولان گرامی .

ü عروسک:با حالتی اخبارگونه: به من خبر دادند که این جوایز به همت والدین مهربان و همکاری مدرسه تهیه شده است. امیدوارم که مبارکتان باشد.

ü مجری: از آقای علی آبادی و آبادیجو، حجت الاسلام و المسلمین همتی و سرکارخانم خواجه حسینی و یکی از والدین به نمایندگی از اولیاء دعوت می کنیم برای اعطای جوایز

ü عروسک: با یک دست و هورای بلند...

ü کلاکت آخر:

ü مجری: اي خداوند جهان؛ دير شد آمدنش؛ و دلم طوفانيست،كه چرا اين شب تاريك نرفته است و سحر پيدا نيست.برسان زودتر اين وقت طلوع ، برسان زودتر اين صبح سپيد ...)

ـ خداوندا در ظهور حجت مهدی صاحب زمان تعجیل بفرما و ما را یکی از سربازان آن امام قرار بده، ریشه ظلم را در جهان بخشکان و مستضعفان را بر مستکبران پیروز بفرمابه خصوص که الان در کشورهای مسلمان خاورمیانه قیام های مقدسی شکل گرفته و نوید ظهور یار را می دهد.

ـ خدایا هدیه جشن تکلیفمان را زبانی پاک و دلی به وسعت دریا، عبادتی خاشعانه، عملی خالصانه و هم نشینی با اهل بیت پیامبر مهربانمان و دوستانشان در این دنیا و آن دنیا مقرر فرما.

ـ خدایا پدران و مادرانمان، اولین آموزگاران مکتب ایمان و معرفت، را در پناه خود حفظ و در کار و زندگی موفق فرما

ـ خدایا از جشن امروزمان و هم نشینی با فرشتگانت نگاهی، یادی، تصویری و خاطره ای برایمان قرار ده تا فراموش نکنیم روزی چقدر عاشق و شاد بوده ایم.

ـ خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار.

· میکی موس ها شعر خداحافظی را می خوانند:

حرفی دیگه ندارم! مواظب خودت باش! عزیز موندگارم! مواظب خودت باش! تا ته ِ راه ِرویا، مواظب خودت باش! از اینجا تا معما ، مواظب خودت باش! دنیا خیلی قشنگه ، با همه بدی هاش! آینده مال ِتوئه! مواظب خودت باش! مواظب ِخودت باش گل ِعزیز ِشب بو! بپا یه وقت گم نشی ، تو شهر پر هیاهو! مواظب ِخودت باش اون ورِ مرزِ دیدار! برو عزیزترینم! برو! خدا نگهدار!

مطالب متفرقه:

í شعر: اونروز که جشن تکلیف تو مدرسه به پا شد در دل کوچک من شور و شری به پا شد

گفتم با یاد خدا انس می گیرم همیشه دلم با یاد خدا راحت و آروم میشه

وقتی که بانگ اذان می پیچه تو شهرما من به نماز می ایستم حرف می زنم با خدا

با اون خدا که مهربون و پاکه خالق این زمین و آب و خاکه با اون خدا که همتایی نداره ابر سیاه به لطف اون، می باره

سبا كوچولو یك بابابزرگ مهربون داشت كه اكثر اوقات را به مناجات با خدا مشغول بود. داستان: سبا نماز خواندن را خیلی دوست داشت و هر وقت بابابزرگ را در حال نماز خواندن می‌دید، می‌دوید و جانماز مادرش را برمی‌داشت و روی زمین پهن می‌كرد و پشت سر بابابزرگش می‌ایستاد و كارهایی را كه باباجونش درحال نماز خواندن انجام می داد مو به مو اجرا می‌كرد و بعد وقتی نمازش تمام می‌شد جانماز را همان جا رها می‌كرد و می‌رفت و مامانش از این كار سبا فوق‌العاده عصبانی می‌شد.

سبا چند روز دیگه تولدش بود و به سن 9 سالگی می‌رسید. یك روز خانم ناظم در مدرسه برای بچه‌ها صحبت می‌كرد و به آن ها گفت: بچه‌های عزیز، دخترهای خوب من، شما دیگه بزرگ شدید و همه تون امسال به سن تكلیف می‌رسید و ما می‌خواهیم برای شما جشن تكلیف بگیریم.

سبا دستش را بالا گرفت و از خانم ناظم سوال كرد: ببخشید خانم ناظم، اجازه... جشن تكلیف یعنی چی؟

خانم ناظم گفت: جشن تكلیف یكی از جشن‌های بسیار بزرگ مذهبی ما مسلمانان است كه مخصوص شما كودكان می‌باشد. كه از این سن وظایف دینی شما تازه شروع می‌شود.

سبا تمام روز به این جشن فكر می‌كرد و با خودش می‌گفت: یعنی باید چه كارهایی انجام بدهم ؟

و رفت پیش بابابزرگ مهربانش و از او پرسید: بابابزرگ شما می‌دونید كه من به سن تكلیف رسیدم. بابابزرگ گفت: بله دخترم، جشن تكلیفت كی هست؟

سبا: پس شما می‌دونید كه مدرسه می‌خواهد برامون جشن تكلیف بگیره.

بابابزرگ: بله. هر بچه‌ای كه به سن تكلیف می‌رسه برایش جشن می‌گیرند.

سبا: بابابزرگ هر كسی كه به سن تكلیف می‌رسه باید چه كارهایی انجام بده؟

بابابزرگ: سباجان یعنی تو دیگه یك خانم بزرگ شدی و از حالا به بعد همه كارها و اعمالت باید مثل یك خانم بزرگ باشه. حتماً باید حجابت رو حفظ كنی و نماز خواندن از این سن به تو واجب است و باید همیشه، اول وقت نمازت را بخوانی و وظایف دینی‌ات را كاملا ًانجام دهی. سجاده‌ات را پهن كرده و مثل بزرگ‌ترها با خدای مهربان صحبت كنی و همیشه شكرگزار باشی. از حالا به بعد تو دیگه می‌توانی روزه كامل هم بگیری و عبادت خدا را به جا بیاوری.

در این موقع مامان سبا از راه رسید و كنار بابابزرگ و سبا نشست و از صحبت‌های آن ها متوجه جشن تكلیف سبا شد. و رفت سجاده و چادر و مقنعه‌ای كه از قبل برای سبا آماده كرده بود را آورد و روی پای سبا گذاشت و گفت: بفرمایید دختر قشنگم... این كادو مال توست و اما یادت باشه یكی از كارهایی كه اهمیت زیادی داره این است كه وقتی می‌خواهی نماز بخوانی، باید اول با احترام سجاده‌ات را رو به قبله پهن كنی و بعد از پایان نماز، چادر و مقنعه را مرتب و منظم تا كرده و داخل سجاده قرار دهی و این كار احترام گذاشتن به عبادتت است.

متن مجری اول مهر

مطلع دیوان اسرار قدیم هست بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خداوند بخشنده مهربان

و درود بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ( عج )

درود بر روان پاک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام شهدا

و درود و سلام بر مقام معظم رهبری و آرزوی طول عمر با عزت و پربرکت برای آن ستوده ی بزرگوار.

سلام

همه روز اول صبح سکه مهر و محبت را

از قلک دل برداریم و ببخشیم به اول نفری

که به ما می تابد اولین عابر امروز

که از کوچه ما می گذرد و صمیمانه بگوییم: "سلام"

عرض خیر مقدم و شادباش دارم خدمت شما مسئولان، صاحبنظران، معلمان و دانش آموزان

مقدم خیر شما باد گرامی به همه این چنین عهد و وفا رنگ خدایی دارد

باز آمد بوی ماه مدرسه

بوی بازی های راه مدرسه

بوی ماه مهر ماه مهربان

بوی خورشید پگاه مدرسه

از میان کوچه های خستگی

می گریزم در پناه مدرسه

باز می بینم ز شوق بچه ها

اشتیاقی در نگاه مدرسه

زنگ تفریح و هیاهوی نشاط

خنده های قاه قاه مدرسه

از سرود صبحگاه مدرسه

باز بوی باغ را خواهم شنید

روز اول لاله ای خواهم کشید

سرخ بر تخته سیاه مدرسه

در اینجا بسی شایسنه است به نمایندگی از شما دانش آموزان و دوستان عزیزم از کلیه ی عوامل و اداره آموزش و پرورش شهرستان راور و آموزشگاه که ازماهها پبش برای تدارک روزی پرنشاط در آغاز بازگشایی مدارس تلاش نموده اند؛ کمال تشکر و تقدیر راداشته باشم.

فرا رسیدن دوباره عطر پرواز در فضای علم و دانش مبارک باد.

1. در اولین قسمت از برنامه ها گوش فرا می دهیم به نوای دل انگیز وحی

متن ورود حاملان قرآن:

یک آیه از حرف خدارا

در دست من می روید انگار

باغی پر از گل های زیبا

\*\*\*\*

در آسمان سبز قرآن

گنجشک قلب م می زند بال

رنگین کمانی می شود باز

از بال گنجشک سبک بال

\*\*\*\*

قرآن برای من همیشه

پر بار تر از هر کتاب است

هر سوره اش خورشیدی از نور

هر آیه اش چون آفتاب است

بعد از اتمام قرآن:

بارالها! اکنون که در آستانه شروع ماه مهر هستیم و سال علم‌آموزی جدیدی پیش روست، از تو می‌خواهم مرا یاری کنی تا در مسیری گام بردارم که مروّج علم و آیین تو باشم. یاری‌ام کن تا همواره در آموختن، حریص باشم و در ترویج آموخته‌هایم، سخی. یاری‌ام ده تا بیاموزم آنچه را تو می‌پسندی و دوری جویم از آنچه ناپسند توست. کمکم کن قلم که در دست می‌گیرم، به یاد تو باشم و آنچه می‌نگارم، مورد رضای تو باشد. بر صفحه تاریک دلم با قلم الهی‌ات نقشی بزن که تا زنده‌ام، به اینکه موجودی مفید فایده در هستی بی‌پایانت بوده‌ام، به خود ببالم. در این ماه مهر، از مهر بی‌کران خویش باز هم به من ببخش و این آغازِ دوباره را برایم آغازی مبارک رقم بزن. به لطف و کرمت، یا ارحم الراحمین!

2. و اکنون با هم زمزمه می کنیم سرود زیبای جمهوری اسلامی ایران را

(آهنگ سرود پخش می شود.)

3. در اولین قسمت از مدیر محترم آموزشگاه جهت خیر مقدم دعوت به عمل می آید.

بعد از خانم مدیر:

صبح زودتر از همیشه به اشتیاق دیدار هم‌کلاسی‌ها از خواب بیدار می‌شوی و با خواب تابستانی وداع می‌کنی. بیدار می‌شوی تا بار دیگر شاهد تولدی دیگر در خود باشی. بیدار می‌شوی تا دوباره علم را در رگ‌های حیات خود به کار اندازی تا الفبای زندگی‌ات را که هنوز ناتمام مانده است، بیاموزی. دلتنگ‌تر از همیشه راهی می‌شوی، البته این بار بدون اضطراب و تأخیر، بدون امتحان و پرسش می‌روی تا متولد شوی، سبز شوی، شکوفا شوی! می‌روی برای ساختن فردایی بهتر و محکم‌تر چرا که فردا از آن توست. می‌روی تا پلی بسازی برای عبور از آن برای رد شدن به سوی آینده.

4. سرود زیبای همشاگردی سلام کاری از دوستانمان را در این روز به یادماندنی تقدیم شما می کنیم

بعد از سرود:

· مهر، یک فرصت است؛ فرصت قدم نهادن در جاده پرپیچ و خمِ علم. مهر، نقطه آغاز ماراتن علم‌آموزی است. مهر، عرصه شکوفایی علم‌آموزی است. سرچشمه‌های علم، در مهر، نهفته‌اند. مهر، تداعی‌گر تلاش و پویایی در راه کسب علم است. مهر، را با مهر، برای کسب آداب علم‌آموزی بیاغازیم.

5. روزگاری با شهیدان بوده ایم افسانه نیست...

با گرامیداشت یاد شهیدان و روزهای دفاع مقدس گوش جان می سپارم به مقاله ای که دوستمان قرائت می کند.

و در پایان

لبتان پر خنده،

قلب تان از مهر آکنده،

دولت تان پاینده و هر روز تان فرخنده باد.

متن مجری اول مهر2

مطلع دیوان اسرار قدیم هست بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خداوند بخشنده مهربان

و درود بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ( عج )

درود بر روان پاک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام شهدا

و درود و سلام بر مقام معظم رهبری و آرزوی طول عمر با عزت و پربرکت برای آنستوده ی بزرگوار.

سلام

همه روز اول صبحسکه مهر و محبت را

از قلک دل برداریمو ببخشیم به اول نفری

که به ما می تابداولین عابر امروز

که از کوچه ما می گذردو صمیمانه بگوییم: "سلام"

عرض خیر مقدم و شادباش دارم خدمت شما مسئولان،صاحبنظران،معلمان و دانش آموزان

مقدم خیر شما باد گرامی به همه این چنین عهد و وفا رنگ خدایی دارد

در اینجا بسی شایسنه است به نمایندگی از شما دانش آموزان و دوستان عزیزم از کلیه ی عوامل و اداره آموزش و پرورش شهرستان راور و آموزشگاه که ازماهها پبش برای تدارک روزی پرنشاط در آغاز بازگشایی مدارس تلاش نموده اند؛ کمال تشکر و تقدیر راداشته باشم.

فرا رسیدن دوباره عطر پرواز در فضای علم و دانش مبارکباد.

زبام عرش می آید اشارتهای پنهانی تمام لحظه ها پر می شود از عطر عرفانی

صدای عشق می آید از آنسوی نهایتها معطر میشود عالم از این آوای سبحانی

نوای سبز توحید است تا هفت آسمان جاری نوای آشنای نغمه های سبز قرآنی

به سمت نور میخواند کسی دلهای شیدا را به بزم عشق میخواند کسی ما را به مهمانی

در اولین قسمت از برنامه ها گوش فرا می دهیم به نوای دل انگیز وحی

مجری بعد از اتمام قرآن:

بارالها! اکنون که در آستانه شروع ماه مهر هستیم و سالعلم‌آموزی جدیدی پیش روست، از تو می‌خواهم مرا یاری کنی تا در مسیری گام بردارم کهمروّج علم و آیین تو باشم. یاری‌ام کن تا همواره در آموختن، حریص باشم و در ترویجآموخته‌هایم، سخی. یاری‌امده تا بیاموزم آنچه را تو می‌پسندی و دوری جویم از آنچه ناپسندتوست. کمکم کن قلم که در دستمی‌گیرم، به یاد تو باشم و آنچه می‌نگارم، مورد رضای تو باشد. بر صفحه تاریک دلم باقلم الهی‌ات نقشی بزن که تا زنده‌ام، به اینکه موجودی مفید فایده در هستی بی‌پایانتبوده‌ام، به خود ببالم. دراین ماه مهر، از مهر بی‌کران خویش باز هم به من ببخش و این آغازِ دوباره را برایمآغازی مبارک رقم بزن. به لطفو کرمت، یا ارحم الراحمین!

مجری: و اکنون با اقتدار به پیشواز مراسم پرچم خواهیم رفت. از دوستان خوبمان جهت اجرا دعوت می نماییم.

مجری :

خورشيد آسمان بالا مي‏آيد... و از خورشيد رويت خبري نمي‏شود، شور شوق و ذوقمان به نوميدي و يأس مي‏گرايد. به خدا قسم، از يكايك شيعيانت بپرس، جمعه‏ها عصر كه مي‏شود، آنقدر دلمان مي‏گيرد... عقده‏ها راه گلويمان را مسدود مي‏كند، مي‏خواهيم فرياد كنيم، داد بزنيم آخر چرا نيامدي مهدي؟... يعني باز يك هفته ديگر؟... تا ظهورت نشود، شيعه تو غمگين است ياد تو بر دل غمديده ما تسكين است كوهها در انتظارش سر به ابر، دشتها خشكند و سوزان چون كوير، دشتهاي بي علف، صخره هم آواي باد، مي‏سرايد اين سرودْ، كي شود صبحش كه صبحي دير نيست، كي ز تيغ كوهها بر زَنَدْ خورشيد، آيا دير نيست؟ و اينك بهانه‏اي ديگر... نيكوترين بهانه اینکه در آغاز سال تحصیلی جدید از او مدد می گیریم که در زمینه سازی و ظهورش تمام توانمان را به کار گیریم با کسب علم و عمل و اینک با اجازت از صاحبخانه... تقدیم چشمهای منتظران... کلیپ صاحب الزمان

مجری:

صبح زودتر از همیشه بهاشتیاق دیدار هم‌کلاسی‌ها از خواب بیدار می‌شوی و با خواب تابستانی وداع می‌کنی. بیدار می‌شوی تا بار دیگر شاهد تولدی دیگر در خود باشی. بیدار می‌شوی تا دوباره علمرا در رگ‌های حیات خود به کار اندازی تا الفبای زندگی‌ات را که هنوز ناتمام ماندهاست، بیاموزی. دلتنگ‌تر از همیشه راهی می‌شوی، البته این بار بدون اضطراب و تأخیر،بدون امتحان و پرسش می‌روی تا متولد شوی، سبز شوی، شکوفاشوی! می‌روی برای ساختنفردایی بهتر و محکم‌تر چرا که فردا از آن توست. می‌روی تا پلی بسازی برای عبور ازآن برای رد شدن به سوی آینده.

در این قسمت از مدیر محترم مدرسه سرکار خانم نژادزمانی تقاضا داریم به جایگاه تشریف بیاورند و از سخنان خویش جمع حاضر را بهره مند نمایند

مجری:

· مهر، یک فرصت است؛ فرصت قدم نهادن در جاده پرپیچ و خمِعلم. مهر، نقطه آغاز ماراتنعلم‌آموزی است.مهر، عرصهشکوفایی علم‌آموزی است. سرچشمه‌های علم، در مهر، نهفته‌اند.مهر، تداعی‌گر تلاش و پویایی در راه کسب علماست.مهر، را با مهر، برای کسبآداب علم‌آموزی بیاغازیم.

در این قسمت

مجری :

روزگاری با شهیدان بوده ایم افسانه نیست...

با گرامیداشت یاد شهیدان و روزهای دفاع مقدس کلیپ یاد یاران را با هم به نظاره می نشینیم. برای شادی روح مطهر شهدا صلوات

تقدیم به دانش آموزان عزیز، که با مهرماه، فصل جدیدی در آموختن علم و کمال را آغاز می کنند...

دوباره از دل مهر، آفتاب می روید به صحن مدرسه گلهای ناب می روید

دوباره ذهن کلاس است و درس اول ومشق ز شاخه های قلم، نان و آب می روید

دوباره عصمت چادر، دوباره مقنعه ها و حرمت منشی کز حجاب می روید

دوباره در دل و اندیشه های نورانی شکوفه های خرد، بی حساب می روید

گلاب مدرسه ها بوی خوب قرآن است نهال دانش و دین، زین گلاب می روید

به یاد سرخ هزاران شهید مدرسه ها هزار لاله سرخ از کتاب می روید

ز غنچه غنچه لبها سؤال می جوشد و از لبان معلم، جواب می روید

دوباره مدرسه از خواب می شود بیدار چنین که از دل مهر، آفتاب می روید

ای شمس همیشه زنده ی توس سلام با عشق ازاین شکسته فانوس سلام

ای صاحب خانه ی عزیز، دربگشامن آمده ام برای پابوس سلام

دوستان سلام ، روز تولد هشتمین اختر تابناک امامت ، امام رضا (ع) برهمگان مبارک باد.

شمع شاپرک هایی رضاای کلید ساده مشکل گشا

آن گل زیبا گل خوشبو تویی ای رضاجان ، ضامن آهو تویی

بانگاهت چون کبوتر کن مراتا بگیرم اوج ، خوشحال ورها

و در پایان

لبتان پر خنده،

قلب تان از مهر آکنده،

دولت تان پاینده و هر روز تان فرخنده باد.

متن مجری جشن هفته معلم – اردیبهشت 92

به نام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم خدایی که داننده ی رازهاست نخستین سرآغاز آغازهاست

به نام علیمی که فاطمه ( س ) را دخت گرانقدر محمد مصطفی ( ص ) و همسر علی مرتضی ( ع ) قرارداد. سلام بر مادر رسالت، همسر ولایت، رحمت حق، گل گلزار نبی، عزیز سرمدی، نور چشمان نبی، عزیز داور، علی را یاور، یگانه گوهر از نسل احمد، خاتون دوسرا، ام ابیها و درود بر شما زنان و مادران مهربان امروز از فیض نگار، جان هستی به هیجان آمده است و در بزم میلاد مسعود یگانه دخت احمد که یکتاگهری ز بحر سرمد است به یمن ریزش کریمانه ی تحفه ی آسمانی، دایره ی دلدادگی و مستانگی کوثر پیغمبری نقش تجلی زده است و عالم گلشن و دیدگان همگنان روشن گشته است؛ این روز شکوهمند را به همه ی زنان و مادران و نیز شما نازنینان تبریک و تهنیت عرض می نماید. با امید به اینکه با سرافرازی، عزت ، عظمت و حشمت رهرو راه آن بانوی همام باشیم.

عطر دل انگیز نیمه اردیبهشت ماه، شمیم دل نواز روز و هفته ای مبارک را به همراه می آورد که یادآور قلم است ( ن و القلم و ما یسطرون) و تعلیم و تعلم (یزکیهم و یعلمهم الکتاب) . یعنی همه آنچه که آفرینش بر آن بنا نهاد شده است و تمام آنها در یک کلام خلاصه مشود، «معلم». معلم اسطوره جهاد است و ایثار – دلسوزی است و از خود گذشتگی – تعلیم است و تعلم و . . .

و اینک شمیم اردیبهشت آمیخته شده با عطر معلم و رایحه دل انگیز و دل نشین مادر که هر دو از یک ریشه اند و وجود هر دو بهار را به همراه می آورد یکی بهار علم و دیگری بهار زندگی .تقارن این دو بهار را با بهار طبعیت به فال نیک گرفته و بر آن شدیم تا در این بهار در بهار برای اولین بار به مناسبت هفته معلم و پاسداشت مقام شامخ معلمین عزیز و گرانمایه و همچنین فرا رسیدن ایام میلاد یا سعادت اسوه خلقت ، با نوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا ( سلام الله علیها ) و گرامیداشت مقام والای مادر جشنی باشکوه برگزار کنیم. امیدواریم بتوانیم لحظات دلپذیر و فرح بخشی را برای شما صاحبان علم و طالبان عمل فراهم نماییم. در کمال امتنان و افتخار دعوت می نمایم از .........................به جایگاه تشریف فرما شوند، با تقدیر بایسته از جانب شما.

مادر ای افسانه ی عشق ای ترانه ی وجودم مادر ای سلطان قلبم ای تموم تار و پودم

از ته قلبم همیشه عاشقم من عاشق تو فرش راهت میکنم من باغ زیبای بهشتو

نور زهرا ز ازل بود همان سرّ نهان دست حق پرده بر افکند و نمودش عیان

زهره ی زهرا ی علی، فاطمه همسر و همپای علی، فاطمه آیه ی رحمت که بود، فاطمه مایه ی نعمت که بود، فاطمه فخر زمینی و زمان، فاطمه جوهر دینی تو بمان فاطمه شعله ی افروخته ام، فاطمه چشم به در دوخته ام فاطمه پرتوی از مهر درخشان تویی جلوه ای از بذر گل افشان تویی موجد مجدی و شفابخش دل مظهر عشقی و صفابخش دل نورنبی همسفر راه تو دست علی همره و همراه تو

به نام الهه ی ام ابیها سلام بر زهره ی زهرا و همسر و همپای علی، سلام بر فاطمه که آیه ی رحمت بود و مایه ی نعمت، سلام بر فخر زمین و جوهر دین، سلام بر فاطمه که پرتوی از مهر درخشان و جلوه ای از بذر گل افشان است، سلام بر فاطمه که موجد مجد و شفابخش دل است هم او که مظهر عشق و صفابخش دل ها و قلب هاست؛ و سلام بر شما دلاورزنان این مرز و بوم. روز میلاد فرخنده ی باسعادت اسوه ی تمام عیار مکارم و قله ی رفیع فضایل حضرت فاطمه ی زهرا( س ) و هفته ی بزرگداشت مقام زن و روز مادر بر همه ی شما بانوان فداکار و مهربان همایون باد. نفس باد صبا، عشق از جنس طلا، دوری و دفع بلا، یاری از سوی خدا همه تقدیم شما. روز زن مبارک مادرم:در میان دست هایت عشق پیدا می شود زیر باران نگاهت نسترن وا می شود با عبور واژه ها از گوشه ی لب های تو مهربانی های قلبت خوب معنا می شود روز محبوبه ی آفرینش و واسطه ی خلقت خجسته باد.

معلما صمیمانه ترین سپاس های خود را به شما فرزانگان عاشقی که شمع وجود گرانقدر خویش را در طبق اخلاص نهاده ونهال نوپای امروز را به امید فردایی شکوفاتر با عصاره ی جان آبیاری می نمایید ، تقدیم می داریم

و به راستی آیا کلامی هست که تاب ثنای ایثار شما آسمانیان رابیاورد؟ کدامین روز ، روز تونیست و کدامین لحظه است که از شمیم تو سکر آور یا عطر آگین نباشد.

به راستی آیا قلمی را می شناسید که با کلک خیال ، شکوه ایثار خاموش معلم را که در بستر رویش های مکرر آدمی ودرگسترده ی تاریخ مکتوب بشریت هماره چون نگینی زرین درخشیده است به تصویرآورد؟ معلم عزیز :دلی که حول نگاه عشق می گردد نیازهایی ملکوتی وپاک می آفریند ، گویا این فریاد شماست که از زبان معلم شهید دکتر شریعتی بیان می شود:

خدایا:در برابر هرآنچه انسان بودن را به تباهی می کشاند مرا با نداشتن و نخواستن رویین تن کن

معلمم:به غیر جان چه می توان که افکنم به پای تو مرا که هر چه دارم از تو دارم و عطای تو

تویی که بند جهل را گشوده ای ز دست من منم که نقد عمر را فکنده ام به پای تو تویی که گر جفا کنی به روی دیده جای تو تویی که گر وفا کنی، سرای دل سرای تو تویی که نور معرفت دمیده از فروغ تو

تویی که دیو جهل و کین رمیده از صفای تو تویی که گر به پاس تو قلم به جنبش آورم یقین فرو بماند از نگارش ثنای تو به لوح دل چه می نهد؟ به غیر نقش مهر تو کسی که همچو من شود، زمانی آشنای تو هنوز در دو چشم من هزار جلوه می کند کلاس درس و محفل صفای بی ریای تو هنوز در دو گوش من، نوید زندگی دهد چه نغمه ی فرشتگان، کلام جانفزای تو هنوز در سرای دل به یادگار می برم نشاط خنده های تو، شرار خشم های تو به نام آن علیمی که شعله ی عشق به تدریس و تعلیم و تربیت را در فانوس سینه ی پر مهر آموزگاران،معلمان، دبیران و استادان روشن نمود و ستایش و سپاس، کردگاری را سزاست که بر پیوستگی ذرات، بنیاد هستی نهاد و با پیوند جان ها بوستان زندگی را از علم و دانش و پژوهش بارور ساخت. معلمان، استادان و والدین گرامی سلام، سلامی چون ترنم عاشقان و مشتاقان علم و عمل نثار وجود گهربارتان. با برنامه ای پرآفرین و بر دل ها شیرین مراسم گرامی داشت مقام معلم و معلمان صدیق و شریف در خدمتتان هستیم. بهترین شادباش ها و صمیمانه ترین خوش آمدها را که از اعماق فلب و دل و جانمان بر می خیزد، پذیرا باشید. با قلبی سرشار از نور، اندیشه ای آکنده از مهر و ذهنی انباشته از برترین ها روز سترگ و شکوهمند مقام معلم را گرامی می داریم. - معلم عزیز چشمان پرفروغت همیشه روشن باد که دیدگان بسته و تاریک مرا به سوی روشنایی خواندن و نوشتن هدایت کردی. - معلم عزیز: سجده ی ایثارت گل محبت را در وجودم پروراند و دامان گهر بار لبخندت لحظه های مهربانی را به من آموخت. مهربان ترین قلب ها از آن تو باد که با مهربانی دریچه های علم را به رویم باز نمودی. برایت از طلا تختی، مسیری رو به خوشبختی، برایت عمر نوحی را، وقاری همچو کوهی را، برایت صبر ایوبی، حیاتی مملو از خوبی، برایت شادبودن را، فقط آزاد بودن را، رفاقت را، صداقت را، اگر خواهی محبت را؛ دعا کردم. - معلما مقامت ز عرش برتر باد همیشه توسن اندیشه ات مظفر باد به نکته های دلاویز و گفته های بلند صحیفه های سخن از تو علم پرور باد - از پنجره ی روزگار که به درخت عمر می نگرم خوش تر از یاد معلمان دلسوز ثمری در آن نیست. یادتان خوش، جانتان سبز و نفس هایتان گرم باد.

مراسم تجلیل:

در کف من مشعل توفیق نه ره به نهان خانه تحقیق ده

شمع زبانم سخن افروز ساز شام من از صبح سخن روز ساز

به نام حضرت دوست که هر چه هست از اوست و به شکر وجود ذی جود که قلب تپنده همه دوستیها ست

به نام آن که بندگان را به خطاب کرامت با هزاران لطافت می نوازد و به سوی خود می نماید و می خواند،

و سپاس و درود بر بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ( عج )

درود بر روان پاک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام شهدا

و درود و سلام بر مقام معظم رهبری و آرزوی طول عمر با عزت و پربرکت برای آن ستوده ی بزرگوار.

دعوت از حاملان قرآن:

سلامی به وسعت دریا و به زیبایی آسمان، سلامی به بوی خوش نسیم یک صبح بارانی ، سلامی به زیبایی گل سرخی که بر روی چادر سفید زمین هر چشمی را شیفته خود می کند و سلامی به زیبایی گل همیشه بهار به امیدی که همیشه بماند و بطراود ، نثارتان باد.

عرض خیر مقدم و شادباش دارم خدمت شما مسئولان،صاحبنظران،معلمان و دانش آموزان

یادتان است؟ در آغاز سال تحصیلی از مولایمان مدد گرفتیم که در زمینه سازی و ظهورش تمام توانمان را به کار گیریم با نحصیل و تهذیب و عمل و با اجازت از او سال تحصیلی جدید را شروع کردیم.

و نتیجه اش خلاصه در یک بیت شعرکه

هر آن کو خاطر مجموع و یار نازنین دارد سعادت همدم او گشت و دولت همنشین دارد

امید که توانسته باشیم و بتوانیم که رضایت او را جلب کنیم.

ما نسل انقلاب نسل حماسه ایم در قرن بی تپش اصل حماسه ایم

دانایی و تلاش با ما عجین شده آوازهایمان شعر زمین شده

در ابتدای برنامه ها دعوت می کنیم از گروه سرود دبیرستان که دانش آموزان فرزانه فرزانگان را بسرایند

همرازان و هم نفسان درود و سلام تان باد. سلام بر شما که خود را باور دارید، سلام بر اندیشه توانای شما

و سلام بر دستان خلاق و سازنده شما

سخن دل،سخن رحمان است جلوه ی مهرخدا درجان است

آنچه از گفته ی دل بر خیزد هم فرودش به دل خوبان است

آری سازنده ی جهان با طرح دیگری روشن کننده ی فردای بهتریم

در این جا شایسته است از مدیر متعهد و دلسوز آموزشگاه سرکار خانم نژادزمانی جهت عرض خیرمقدم و ارائه گزارش دعوت کنیم.

مجری: زندگی ، فهم معنای لحظه هاست ، برآنیم با باور لحظه ، اندیشه را بارور کنیم .در دل ها بذر شوق بکاریم ، خلاقیت ها را یاور باشیم ،تا درخت دانایی هماره سبز بماند. شوکت، حشمت، عظمت و قدرت کشور ايران چشم به راه تلاش ماست. گرچه در ظاهر پایانی است برای یک دوره تلاش ، لیکن حقیقت آن است که باطنش آغازی است برای عروج به مقصد والا و صعودی سرشار از شور ونشاط وبالندگی

و حال دورنمای افق آینده را در بیانات مدیر متعهد و سخت کوش آموزش و پرورش شهرستان راور به نظاره می نشینیم. و قدردانیم از حمایت های مالی و معنوی ایشان و مجموعه مدیریت در جهت تقویت و تحکیم نیازهای مدارس که با خلوص نیت محقق گشته؛ از حضرت ربّ العزّه تمنا دارد، همسو و هماهنگ در پیشبرد آرمان ها و وظیفه ی خطیر خویش توفیقتان دهد و همواره بر قله های رفیع ظفرمندی ترفیع یابید.

خدا حافظی:لبتان پر خنده، قلب تان از مهر آکنده، دولت تان پاینده و هر روز تان فرخنده باد.

خدای اطلسی ها با تو باشد پناه بی کسی ها با تو باشد

تمام لحظه های خوب یک عمر بجز دلواپسی ها با تو باشد